

A Comparative Review of Persian and English Translation of Verse 80 of Sura Kahf with an Emphasis on the Word "Khashiat" and its Jurisprudential Impacts

نقد تطبیقی مفهوم «خشیت» در آیه ۸۰ سوره کهف براساس ترجمه‌های فارسی و انگلیسی و آثار فقهی آن

A. Salahshoor^{۱*}

علی سلحشور^{۱*}

^۱. Assistant Professor of University of Kurdistan

^۱. استادیار دانشگاه کردستان

Received Date: 2019/2/26

دریافت مقاله: ۹۷/۱۲/۷

Accepted Date: 2019/3/16

پذیرش مقاله: ۹۷/۱۲/۲۵

Abstract

The translation of the Qur'an into various languages for the understanding of its teachings is firstly allowed and secondly necessary - conditional on observance of the rules of translation. To provide accurate translations, familiarity with theology, jurisprudence, Quranic sciences, Arabic commentary and literature, and a number of other literary and Islamic sciences is necessary. Because there is a close relationship between the translation of the Qur'an and jurisprudential laws, the translator must be careful in choosing the words and finding the vocabulary and combinations of the target language, and paying attention to the conceptual meaning of the words in order to better understand the verses as God's purpose has been reflected.

One of the Quranic science is to understand Mojmalat and their reasons.

Homonyms are one of the most common reasons of Ejmal. In order to find equivalents for homonyms, the translator has to choose the correct meaning considering the attached evidence, the style and other verses related to the subject of the verse.

One of these homonyms is the word "khashiat," which implies two opposing meanings of doubt and certainty.

This study, reviewing Persian and English translations from ۸۰ verses of Kahf, regarding the interpretation of the murder of a young boy by the Prophet Khezr, while pointing out the views of the commentators, has shown which of the meanings of Khashiat is correct.

Key words: Quran, translation, khashiat, Homonyms, jurisprudence.

چکیده

ترجمه قرآن به زبان‌های مختلف برای فهم معارف آن، مشروط به رعایت آداب ترجمه، لازم و مجاز است. برای ارائه ترجمه دقیق، آشنایی با دانش‌های کلام، فقه، علوم قرآنی، تفسیر و ادبیات عرب و علوم ادبی و اسلامی دیگری ضروری است. از آنجاکه بین ترجمه قرآن و احکام فقهی رابطه تنگاتنگ و متقابل وجود دارد، بایستی مترجم در گزینش الفاظ و یافتن واژگان و ترکیبات زبان مقصد، دقت داشته باشد و به بار مفهومی الفاظ توجه نماید تا بتواند هرچه بهتر مراد آیات را همان‌گونه که مقصود خداوند بوده است، منعکس کند. اشتراک لفظی یکی از شایع‌ترین اسباب اجمال است. مترجم بایستی در معادل‌سازی واژگان مشترک لفظی با توجه به قرائن متصل، سیاق و قرائن لفظی برون‌بافت آیات، از بین چندمعنای مشترک در لفظ، معنای صحیح را برگزیند. یکی از واژگان مشترک لفظی «خشیت» است که متبادر کننده دو معنای متضاد شک و یقین است. در صورت انتخاب واژگانی در آیه واژه خشیت که تداعی‌گر معنای شک هستند، شائبه‌هایی مانند عقاب پیش از ارتکاب جرم - که عقلا و شرعاً قبیح است - ایجاد می‌شود. این پژوهش با بررسی و نقد ۵۳ ترجمه فارسی و ۱۰ ترجمه انگلیسی قرآن از آیه ۸۰ سوره کهف که درباره تأویل قتل نوجوانی به دست حضرت خضر(ع) است، ضمن ذکر دیدگاه مفسران، نشان داده است که کدام‌یک از معانی خشیت در این آیه، صحیح است و اینکه اکثر مترجمان در ترجمه این واژه، دقت لازم را نداشته‌اند.

کلید واژه‌ها: قرآن؛ ترجمه؛ خشیت؛ مشترک لفظی؛ فقه

Email: salahshoor110ac@yahoo.com

* نویسنده مسئول:

مقدمه

مطابق عقیده عالمان اسلامی قرآن کریم معجزه جاویدان نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و کتاب راهنمایی و سعادت بشر در همه دورانها و برای همه ابناء بشر است. قرآن از عصر نزول تاکنون هزاران بار توسط اندیشمندان ترجمه و تفسیر شده است و مطابق تتبع مصطفی صادق الرافی از آغاز نگارش تاکنون، در تاریخ هیچ کتابی را نمی‌توان یافت که به اندازه قرآن درباره‌اش تفسیر و شرح نگاشته شده باشد. وی یکی از جهات اعجاز قرآن را همین اعجاز معنوی و گستردگی مفاهیم برشمرده است (الرافی، ۱۴۲۱ ق: ۴). هرچند در خصوص «ترجمه»، کتاب مقدس مسیحیان تاکنون به ۲۵۴۰ زبان زنده دنیا ترجمه شده است درحالی‌که تعداد ترجمه‌های قرآن به زبان‌های دیگر فقط به حدود ۱۵۰ زبان می‌رسد. بر اساس آمار موسسه ترجمان وحی تاکنون شش هزار ترجمه از قرآن کریم به قریب ۱۵۰ زبان زنده دنیا (مطابق جدول شماره یک) انجام گرفته است.

جدول تعداد ترجمه‌های قرآن به زبان‌های زنده دنیا

ردیف	منطقه	تعداد زبان‌های ترجمه شده	تعداد ترجمه‌ها
۱	زبان‌های آسیایی	۶۴	۸۳۰
۲	زبان‌های اروپایی	۳۴	۳۷۹
۳	زبان‌های آفریقایی	۴۱	۶۴
۴	زبان‌های اقیانوسیه	۳	۳
۵	زبان‌های آمریکای مرکزی و جنوبی	۲	۲
۶	زبان‌های مصنوعی (اسپرانتو)	۱	۱
جمع	۶	۱۴۵	۱۲۷۹

بیشترین تعداد ترجمه‌های قرآن کریم به ترتیب به زبان‌های فارسی و انگلیسی بوده است و تاکنون ۱۷۵ بار به زبان فارسی و ۱۵۷ بار به زبان انگلیسی ترجمه شده است (www.cthq.ir). صرف‌نظر از ادله متکلمان مسلمان و قرآن‌پژوهان درباره مبانی فقهی و مبانی کلامی جواز ترجمه یا عدم آن، جمهور عالمان بر جواز ترجمه قرآن با قید رعایت آداب و فنون ترجمه مشروط به عدم ادعای این‌همانی ترجمه با متن قرآن تصریح کرده‌اند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۹۲ و ۱۴۸) ابوالقاسم پاینده با ذکر چندین نمونه در مقدمه

ترجمه خود می‌گوید فقه و ترجمه قرآن دارای رابطه‌ای مستقیم‌اند؛ چراکه بسیاری از آیات قرآن بیان‌کننده احکام فقهی است. (پاینده، ۱۳۷۵: ۳۰-۳۲). لذا لازم است مترجم قرآن با عموم دانش‌های اسلامی از قبیل کلام، فقه، تفسیر، حدیث، ادبیات عرب و ... آشنا باشد. پژوهش حاضر به روش تطبیقی به بررسی ترجمه یکی از آیات سوره مبارکه «الکهف» که درباره بیان و تأویل قتل نوجوانی به دست حضرت خضر(ع) است در بین ۵۳ ترجمه فارسی و ۱۰ ترجمه انگلیسی با تأکید بر ترجمه واژه «خشینا» که از مشترکات لفظی است پرداخته است.

مفهوم شناسی ترجمه

درباره ریشه این واژه دیدگاه لغویون مختلف است. راغب اصفهانی الرجام را به معنای سنگ و ریشه آن را «رجم» به معنای «سنگ پراکنی» و ترجمان را نیز از همین ماده دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲ ق: ۱۹۷). در مقایسه اللغه هم آمده که اصل آن در معنای سنگ انداختن است (احمد بن فارس، ۱۴۲۲: ۴۲۳) برخی ترجمه را رباعی دانسته و ریشه آن را «ترجم» و به معنای روشن و آشکار کردن ذکر کرده‌اند (الفیومی، ۱۹۸۷ م، ج ۱: ۹۲). گروهی ترجمه را از واژگان دخیل در زبان عربی دانسته و آن را برگرفته از واژه «ترگوم» در زبان آرامی و یا واژه «ترگمانا» در زبان سریانی دانسته‌اند (مصاحب، ۱۳۸۰: ۶۳۳). برخی هم آن را از ریشه «ترزبان» فارسی برشمرده‌اند (رامپوری، ۱۳۶۳ ش: ۵۵۸).

درباره معنای اصطلاحی این واژه نیز مباحث مفصلی از سوی اندیشمندان این حوزه همچون: محمدهادی معرفت در «التفسیر و المفسرون»، جواد سلماسی‌زاده در «تاریخ ترجمه قرآن در جهان»، علی نجار در «اصول و مبانی ترجمه قرآن»، طاهره صفار زاده در «اصول و مبانی ترجمه» و به نقل از یوجین نایدا سرپرست ترجمه عهدین به زبان‌های دنیا، آمپارو هورتا و نیز رابین ذکر شده در «فصلنامه ترجمه، شماره ۲» مطرح شده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۲۸). لکن معنای اصطلاحی موردنظر نگارنده که می‌توان آن را جامع تعاریف و مبانی این پژوهش تلقی کرد چنین است: «ترجمه عبارت است از برگرداندن مفاهیم متنی از زبانی به زبان دیگر، به گونه‌ای که ترجمه ارائه شده علاوه بر رعایت اصل امانت، منعکس کنند همان مفهوم و محتوای موردنظر گوینده یا نویسنده در زبان مبدأ باشد». در مبحث ترجمه و روش‌های آن، دسته‌بندی‌هایی وجود دارد که خارج از بحث مقاله است.

رابطه دانش فقه و ترجمه قرآن

در قرآن کریم بیش از ۵۰۰ آیه به شکل مستقیم در موضوع قوانین و احکام اسلامی (آیات الاحکام) وجود دارد و بسیاری آیات دیگر نیز به نوعی - هرچند به شکل غیرمستقیم - در ارتباط با موضوعات فقهی هستند؛ لذا لازم است مترجم قرآن با دانش فقه نیز آشنا باشد تا در مواقع لزوم از آن بهره گیرد و بخصوص در ترجمه آیات الأحکام راه به خطا نبرد (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۲۱۹). اگر مترجم در برگرداندن مفاهیم واژگان، مباحث فقهی را در نظر نگیرد و یا در مجملات قرآن از جمله انتخاب یا ترجیح معنای مطابق مراد گوینده در مشترکات لفظی و یا ارجاع ضمائر به مرجع صالح در موارد اختلاف مرجع ضمیر، دچار خطا خواهد شد. نظیر همین ارتباط بین ترجمه و علم کلام نیز کاملاً برقرار است.

اجمال و اشتراک لفظی و رابطه آن با ترجمه

یکی از دانش‌های قرآنی مبحث مجمل و مبین است. در تعریف اجمال آورده‌اند «هو ما لم تتضح دلالتها» یعنی چیزی که دلالتش روشن نباشد (الحفناوی، ۱۴۱۲: ۱۲). نظیر همین تعریف را سیوطی نیز بیان کرده است (السیوطی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۶۱). در اصطلاح مراد از مجمل لفظ یا عباراتی از قرآن را گویند که دلالتش روشن نیست و به وضوح و قطعیت نمی‌توان مراد اصلی کلام خدا را دانست. «بزدوی» می‌گوید: مجمل، لفظی را گویند که تعدادی معانی در آن جمع شده و مراد از آن مشتبه گردیده باشد به نحوی که با مراجعه به خود عبارت، مراد از آن دانسته نشود مگر با استفسار، طلب و دقت نظر (العک، ۱۴۱۴ ق: ۳۵۲). اجمال اسبابی دارد که در کتب علوم قرآنی به تفصیل بیان شده است. یکی از سبب‌های اجمال در قرآن «اشتراک لفظی» است.

به نظر سید کمال حیدری اشتراک لفظی آن است که معنای حقیقی یک لفظ - نه معنای مجازی - در یک زبان متعدد باشد (حیدری، ۱۳۸۲ ش: ۳۷). پس مشترک لفظی یعنی واژه‌ای بیش از یک معنا داشته باشد و گوینده منحصرأ یکی از آن معانی را اراده کرده باشد. حال بین این چند معنا ممکن است ارتباط خاصی از جمله تضاد دیده نشود و نیز ممکن است بین دو معنای لفظ رابطه ضدیت باشد که در صورت دوم، این واژگان را اضداد نامیده‌اند. کتاب‌های متعددی نیز در موضوع مشترکات لفظی و واژگان اضداد تألیف شده‌اند. چنانکه شش تن از نویسندگان به نام‌های: ابن الشجری، اصمعی، مبرد، ابی اسحق، ازدی و الکیشی با عنوان یکسان «ماتفق لفظه و اختلف معناه» دست به تألیف زده‌اند. همچنین کتاب‌های تأویل

مشکل القرآن از ابن قتیبه و معترک الأقران از سیوطی و نیز معاجم متعددی - بالغ بر ۲۵ معجم - با عنوان «الأضداد» از عالمان لغت و تفسیر از متقدمان تا معاصران در خصوص شرح واژگان اضداد تألیف شده است. نکته دیگر اینکه اگر گفته شود، ذکر معنای صحیح الفاظ و شرح و توضیح آن‌ها ذیل عنوان تفسیر قرار می‌گیرد، نه ترجمه، این سخن صائبی نیست. چراکه همان‌گونه که در معنای اصطلاحی ترجمه گذشت، مترجم بایستی معنای موردنظر گوینده یا نویسنده در زبان مبدأ را مطابق مراد وی انتقال دهد. لذا در مواجهه با مشترکات لفظی نیز بایستی واژه‌ای را برگزیند که وافی مقصود باشد. مثلاً در ترجمه آیه «مالک یوم‌الدین» با توجه به اینکه «دین» مشترک لفظی است و دارای معانی «حساب و جزاء» و نیز «کیش و آئین» است، لکن تاکنون هیچ مترجمی، معنای کیش و آیین را در اژه واژه «دین» قرار نداده است و تمامی مترجمان معنای دیگر دین (حساب و جزاء) را برگزیده‌اند. این در حالی است که تبادر اولیه واژه دین، کیش و آیین است. بنابر آنچه گفته شد در هنگام مواجهه مترجم با مشترکات لفظی، لازم است از بین معانی این الفاظ، معنایی را برگزیند که باب ورود شبهات را باز نکند. چنانچه در مقاله حاضر بیان خواهد شد، در آیه موردبحث، انتخاب یکی از معانی، شبهاتی را ایجاد می‌کند و انتخاب معانی دیگر رافع شبهه است.

مفهوم شناسی واژه «خشیت»

واژه «خشیت» از ریشه «خشی» به همراه مشتقات آن - در ۱۶ ساخت مختلف - مجموعاً ۴۸ بار در قرآن کریم به کار رفته است (فؤاد عبد الباقی، ۱۳۹۱: ۳۱۲). احمد بن فارس گفته است اصل این واژه دلالت دارد بر خوف و دُعر (ترس). وی همچنین می‌گوید این واژه در معنای دانستن نیز بکار می‌رود و به این شعر استدلال نموده است: «و لقد خشیت بأن من اتبع الهدی سکن الجنان مع النبی محمد» (احمد بن فارس، ۱۴۲۲: ۲۹۹) یعنی: به یقین «دانستم» هرکسی پیرو راه هدایت باشد، سکونت‌گاهش در بهشت و در جوار نبی مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه و آله) خواهد بود. روشن است که معنای خشیت در این شعر ابدأ ترس و بیم نیست بلکه مقصود شاعر حصول علم است. راغب اصفهانی در معنای آن می‌گوید بیم و خوفی که با تعظیم و بزرگداشت همراه باشد و غالباً از علم و آگاهی ناشی می‌شود (راغب، ۱۴۲۲: ق: ۱۵۵) در کتب وجوه و نظائر نیز همین معانی برای خشیت ذکر شده است. کاربرد واژه خشیت در فرهنگ قرآنی تقریباً در تمام موارد ترس همراه با تعظیم و علم است؛ اما از آنجاکه این واژه مشترک لفظی و از

قسم واژگان اضداد دانسته شده است (ابن قتیبه، ۱۴۲۳: ۱۲۱) کاربرد این واژه در دو معنا که رابطه عکس دارند، مسلم است. یکی ترس که حاوی معنای تردید و احتمال است و دیگری علم که حاوی معنای حصول و دانستن است که به قید احتمال توصیف نمی‌شود؛ یعنی متضمن دو معنای شک و یقین است. معنای خشیت در آیه «وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَتْ أَبَوَاهُ مُؤْمِنِينَ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهَقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا» (الکهف: ۸۰) این آیه در سوره کهف و در میانه ماجرای رویارویی موسی و خضر (علیهما السلام) آمده است. پس از آنکه حضرت موسی برخلاف تعهدی که به حضرت حضر مبنی بر سکوت و عدم دخالت در امور داده بود برای بار سوم به کارهای خضر اعتراض کرد و ایشان به جدایی موسی فرمان داد: «قال هذا فراق بینی و بینک» (الکهف: ۷۸)، به او گفت که تاویل کارهای خود را بیان خواهد کرد: «سَأَنْبِئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا» (الکهف: ۷۸) و پس از بیان تأویل ماجرای شکافتن کشتی، تأویل قتل آن نوجوان را در ضمن دو آیه ۸۰ و ۸۱ برای موسی تشریح کرد. در تفسیر المنیر آمده است که نام آن جوان «شمعون» یا «حیثور» بود وی به سن بلوغ رسیده و کافر بود. خداوند از عاقبت کار او آگاه بود که او با علم تفصیلی‌اش، عالم بر احوال است (زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۱۶: ۱۰).

ترجمه آیه ۸۰ سوره کهف توسط مترجمان به دو زبان فارسی و انگلیسی در ادامه، متن ترجمه‌شده‌ی آیه: «وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَتْ أَبَوَاهُ مُؤْمِنِينَ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهَقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا» (الکهف: ۸۰) با استناد به مهم‌ترین ترجمه‌های موجود -۵۳ ترجمه فارسی و ۱۰ ترجمه انگلیسی که در دسترس پژوهش‌گر بود - و با توجه به نوع انتخاب واژه معادل «خشینا» توسط مترجمان، ترجمه‌ها در چند گروه مجزا ارائه شده است.

گروه اول مترجمانی که یکی از عبارات: ترسیدیم، بیمناک شدیم، باک داشتیم، هراس داشتیم، ترس داشتیم، بیم داشتیم و می‌ترسیدیم را به‌عنوان معادل واژه «خشینا» برگزیده‌اند:

اما آن پسر، پدر و مادرش مؤمن بودند. ترسیدیم که آن دو را به عصیان و کفر دراندازد (آیتی، ۱۳۷۴: ۳۰۲)؛ اما آن پسر، پدر و مادرش مؤمن بودند، ترسیدیم که آن دو را به طغیان و کفر دچار کند (قرشی بنایی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۲۴۱)؛ و اما آن پسر (کافر بود و) پدر و مادر او مؤمن بودند، از آن باک داشتیم که آن پسر آن‌ها را به خوی کفر و طغیان خود درآورد (الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۳۰۲)؛ و اما آن کودک، پدر و مادرش مؤمن بودند، پس بیمناک شدیم که آن دو را به طغیان و کفری وادارد (برزی، ۱۳۸۲: ۳۰۲)؛ و

اما آن نوجوان، پدر و مادرش هر دو مؤمن بودند، پس ترسیدیم مبدا آن دو را به طغیان و کفر بکشاند (بهرام پور، ۱۳۸۹: ۳۰۲)؛ اما آن پسر. پدر و مادرش مؤمن بودند و بیم داشتیم به طغیان و کفر دچارشان کند (پاینده، ۱۳۵۷: ۲۵۱)؛ و اما آن جوان، پدر و مادرش مؤمن بودند و ما بیمناک شدیم که مبدا کفر و طغیانی بر آنان تحمیل کند (خرمشاهی، ۱۳۷۶: ۳۰۲)؛ و اما (آن) نوجوان؛ پدر و مادرش مؤمن بودند، پس ترسیدیم (مبدا) آن دو را ناخواسته و به ناچار به طغیان و کفر برکشند (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۲۰۶). اما آن پسر، پدر و مادرش مؤمن بودند. ترسیدیم که آن دو را به عصیان و کفر دراندازد (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۵: ۲۴۱)؛ و اما آن نوجوان، پس پدر و مادر او مؤمن بودند (و او کافر پیشه بود) پس ترسیدیم که (روی محبت پدر و فرزندی و مادر و فرزندی) آن نوجوان، پدر و مادر خود را وادارد (و به تنگ آرد) به طغیان و کفر (بلاغی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۱۳۰)؛ و اما پسر جوان (که او را کشتیم برای این کشتیم که کافر بود) و پدر و مادرش مقرر به توحید و یگانگی خدا بودند و ترسیدیم که او والدین خود را وادار و مکلف به کفر و سرکشی کند (یعنی در اثر محبت به آن پسر پس از ایمان کافر شوند و بعد از هدایت به گمراهی افتند) (خسروانی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۳۷۱)؛ اما آن پسر: پدر و مادرش مؤمن بودند، ترسیدیم که آن دو را به بیراهی و کفر بکشاند. (خواجوی ۱۳۶۹: ۱۱۵)؛ و اما [آن] پسر، پس پدر و مادرش با ایمان بودند و هراس داشتیم که آن دو را به طغیان و کفر وادارد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳: ۳۰۲)؛ و اما نوجوان، پدر و مادرش گرویدگان بودند، پس ترسیدیم که آن دو را طغیان و کفر (فرزند) در بر گیرد (رهنما، ۱۳۵۴، ج ۲: ۵۶۹)؛ و اما پسر پس بودند پدر و مادرش دو مؤمن پس ترسیدیم که بیفکند آن دو را در سرکشی و کفر (تقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۳: ۴۴۲). اما غلام، بودند پدر و مادرش مؤمن، ترسیدیم که در ایشان پوشد عصیان و کفر (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۳: ۳)؛ و اما پسر پس بود والدینش دو مؤمن پس ترسیدیم که تکلیف کند آن دو را زیاده‌روی در عصیان و کفر (شعرانی، ۱۳۷۴: ۲۷۹). اما آن نوجوان، پدر و مادرش مؤمن بودند و ما ترسیدیم او با کفر و سرکشی خود، آن دو را در تنگنا قرار دهد و بیازارد (صفوی، ۱۳۸۸: ۳۰۲)؛ و اما پسر پس بودند والدینش دو مؤمن پس ترسیدیم که تکلیف کند آن دو را زیاده‌روی در عصیان و کفر (صفی‌علی‌شاه، ۱۳۷۸: ۴۴۱)؛ و اما آن نوجوان پدر و مادرش مؤمن بودند و ما بیمناک شدیم که مبدا به سرکشی و کفر وادارد آنان را (صلواتی، ۱۳۸۷: ۳۰۲)؛ و اما آن نوجوان، پدر و مادرش مؤمن بودند و از آن ترس داشتیم که طغیان و انکار را دامن‌گیر آنان کند (طاهری قزوینی، ۱۳۸۰: ۳۰۲)؛ و اما آن نوجوان، پدر و مادرش هر دو مؤمن بودند، پس ترسیدیم که از راه سرکشی و ناسپاسی آن دو را به

ستوه آورد (فارسی، ۱۳۶۹: ۶۰۵)؛ و اما نوجوان، پدر و مادرش [هر دو] مؤمن بودند، پس ترسیدیم [مبادا] آن دو را به طغیان و کفر بکشد (فولادوند، ۱۴۱۸: ۳۰۲)؛ و آن پسر (که او را کشتیم به کفر سرشته شده و) پدر و مادرش اهل ایمان و گرویده (به خدا و رسول) بودند، پس ترسیدیم (دانستیم اگر آن پسر بماند و کشته شود) پدر و مادر خود را به سرکشی و نگرودن وادار نماید (زیرا ممکن است و می‌شود که پدر و مادر به مهر فرزند پابند شده به عقیده و باور او درآیند) (فیض الاسلام، ۱۳۸۸: ۵۹۱)؛ و اما آن نوجوان [که او را کشتیم]، پدر و مادرش هر دو مؤمن بودند. ترسیدیم که او آن دو را به کفر و طغیان وادارد (قرائتی: ۱۳۸۸، ج ۵: ۲۱۲)؛ و اما آن نوجوان، پدر و مادرش مؤمن بودند، پس ترسیدیم که آنان را به سرکشی و کفر وادارد (مجتبوی، ۱۳۸۳: ۳۰۲). اما آن نوجوان، پدر و مادرش مؤمن بودند؛ ترسیدیم که آنان را به سرکشی و کفر وادارد (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۴: ۳۰۲)؛ و اما آن پسر (که او را کشتیم)، پدر و مادرش مؤمن بودند، ما ترسیدیم آن دو را به طغیان و کفر بکشاند (مرکز فرهنگ و معارف، ۱۳۸۵: ۳۰۲)؛ و اما آن نوجوان (کافر و سرکش بود و) پدر و مادرش مؤمن بودند، پس ترسیدیم که آن دو را به طغیان (در عمل) و کفر (در اعتقاد) وادار نماید (مشکینی، ۱۳۸۱: ۳۰۲)؛ و اما غلام پس بود پدر و مادرش مؤمنان پس ترسیدیم که وادارشان کند به سرکشی و ناسپاسی (مصباح زاده، ۱۳۸۰: ۳۰۲)؛ و اما کودک بودند پدر و مادرش مؤمنان پس ترسیدیم که وادارشان (یا تنگ آوردشان) به سرکشی و ناسپاسی (معزی، ۱۳۷۲: ۳۰۲)؛ و اما آن نوجوان، پدر و مادرش با ایمان بودند؛ و بیم داشتیم که آنان را به طغیان و کفر وادارد! (مکارم، ۱۳۷۳: ۳۰۲). (اما سبب قتل) آن پسر این بود پدر و مادر او هر دو مؤمن بودند از آن باک داشتیم که اگر آن جوان زنده بماند از طغیان و کفر او بلا و ضرری به پدر و مادرش برسد (از این جهت به امر الهی او را به قتل رسانیدم) (نوبری، ۱۳۹۶، ج ۱: ۲۶۶)؛ و اما پسری را که کشتیم پدر و مادر او هر دو مؤمن بودند ترسیدیم که وادار نماید این پسر، پدر و مادرش را به سرکشی و کفر یا بکشد ایشان را به سبب طغیان و کفر خود؛ چون چنین در عاقبت آن پسر می‌دیدم او را کشتیم (یاسری، ۱۴۱۵: ۳۰۲)؛ و اما آن کودک (که او را کشتیم) پدر و مادرش با ایمان بودند (و اگر زنده می‌ماند) می‌ترسیدیم که سرکشی و کفر را بدانان تحمیل کند (و ایشان را از راه ببرد) (خرم دل، ۱۳۸۴: ۶۰۷)؛ و اما پسر، پس بود پدر و مادر او گروندگان پس ترسیدیم که رساند آن دو را گذشتنی از اندازه و ناگروندگی. (ناشناس، ۱۳۸۳: ۲۵۶). [و] اما برنا او را مادر و پدری بودند با ایمان، ترسیدیم که در افکندشان به کفر و طغیان (نسفی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۵۶۸)

گروه دوم مترجمانی که واژه «خشینا» را به شکل متکلم وحده و با استفاده از واژگان ترسیدم، بیم داشتیم، باک داشتیم ترجمه کرده‌اند:

اما آن پسر، پدر و مادرش با ایمان بودند. ترسیدم به طغیان و کفر دچارشان کند (ارفع، ۱۳۸۱: ۳۰۲)؛ و اما [آن] نوجوان [که او را کُشتم]، پدر و مادرش مؤمن بودند، پس ترسیدم که آن دو را [در آینده] به طغیان و کفر بکشاند (انصاریان، ۱۳۸۳: ۳۰۲)؛ اما آن پسر، پدر و مادرش با ایمان بودند، ترسیدم که آن دو را به طغیان و کفر وادارد (پورجوادی، ۱۴۱۴: ۳۰۱)؛ اما آن پسر، پدر و مادرش مؤمن بودند ترسیدم به طغیان و انکار دچارشان کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۴۶۸)؛ و اما آن غلام پدر و مادر او مؤمن بودند از آن باک داشتیم که آن پسر آن‌ها را به خوی کفر و طغیان خود در آورد (سلطان علی‌شاه، ۱۳۷۲، ج ۸: ۴۲۵). آن پسر هم پدر و مادرش مؤمن بودند و از آن بیم داشتیم که آن‌ها را به کفر و طغیان بکشاند. (طبرسی، ۱۳۷۵، ج ۴: ۸)؛ و اما آن پسر (که وی را کُشتم) بودند پدر و مادرش مؤمن پس ترسیدم که هلاک کند آن‌ها را از نظر سرکشی و کفری که دارد (سراج، ۱۳۹۰: ۳۰۲)؛ و داستان آن پسر چنین بود که پدر و مادرش مؤمن بودند و ترسیدم که او آن‌ها را گرفتار کفر و طغیان کند (عاملی، ۱۳۶۰، ج ۶: ۵)؛ و اما آن پسر (کافر بود و) پدر و مادر او مؤمن بودند. از آن ترسیدم که پدر و مادرش را به نافرمانی و کفر وادار سازد (کاویان‌پور، ۱۳۷۲: ۳۰۲)؛ و اما آن غلام که بکُشتم، بود مادر و پدر او هر دو گرویده، ترسیدم که بر پوشدشان و اندر افکنده در بی‌راهی و کفر (طبری، ۱۳۵۶، ج ۴: ۹۳۴)؛ و اما آن نوجوان پس بودند پدر و مادر وی مسلمان پس ترسیدم از آنکه غالب آید بر ایشان در سرکشی و کفر (شاه ولی‌الله، بی‌تا: ۶۵۵)؛ و آن پسری که کشته شد پدر و مادرش مؤمن بوده ولی او کافر شده ترسیدم که پدر و مادر خود را به سرکشی و کفر درآورد (بروجردی، ۱۳۶۶: ۵۲۶).

گروه سوم مترجمانی که واژه نخواستیم را به‌عنوان معادل «خشینا» برگزیده‌اند:

و اما آن نوجوان پدر و مادرش با ایمان بودند ما نخواستیم او آن‌ها را به طغیان و کفر وادارد (آدینه وند، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۴)؛ و اما آن نوجوان، پدر و مادرش با ایمان بودند، ما نخواستیم او آن‌ها را به طغیان و کفر وادارد (حجتی، ۱۳۸۴: ۳۰۲).

گروه چهارم مترجمانی که واژه دانستم را به‌عنوان معادل «خشینا» برگزیده‌اند:

و آن پسر را [به امر حق تعالی کشتم برای اینکه] پدر و مادر او مؤمن بودند و دانستم که [اگر آن پسر بماند] به سبب طغیان و کفرش به پدر و مادرش ضرر می‌رساند مگر آنکه در طغیان و کفر با او سازگار گردند (امین، بی تا، ج ۸: ۶۷).

گروه پنجم مترجمانی که واژه دانستیم را به‌عنوان معادل «خشینا» برگزیده‌اند: و اما آن نوجوان، پدر و مادر وی گرویدگان بودند، دانستیم که اگر آن پسر بماند فرا سر ایشان نشاند، ناپاکی و ناگرویدگی (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۷۱۲).

ترجمه‌های انگلیسی

قرآن کریم مطابق جدول شماره یک تاکنون ۱۵۷ بار توسط مترجمان مختلف به زبان انگلیسی ترجمه شده است. ترجمه‌های زیر که از اشتهار بیشتری برخوردار هستند مورد مطالعه قرار گرفته‌اند:

Shakir: And as for the boy, his parents were believers and we feared lest he should make disobedience and ingratitude to come upon them. (shakir, ۲۰۰۹ : 302). **Irving:** The young man's parents were believers, and we dreaded lest he would burden them with arrogance and disbelief. (Irving, ۱۹۸۵: 302). **Saffarzadeh:** " And for that boy[who was killed], his Parents were sincere believers, and I Feared that he might grieve them by Rebellion and disbelief,(Saffarzadeh, ۲۰۰۶: 629). **Qaraei:** As for the boy, his parents were faithful[persons], and We feared he would overwhelm them with rebellion and unfaith. (Qaraei, ۲۰۰۵:302). **pickthall:** And as for the lad, his parents were believers and we feared lest he should oppress them by rebellion and disbelief. (Pickthall, ۲۰۰۳: 302). **Muhammad_Sarwar:** " The young boy had very faithful parents. We were afraid that out of love for him they would lose their faith in God and commit rebellion(Muhammad_Sarwar, ۱۹۸۲: 302). **Muhammad and Samira Ahmad:** And as for the boy/ servant, so his parents were believing, so We feared that he burdens/ oppresses them(with)tyranny/ arrogance and disbelief. (Muhammad and Samira Ahmad, ۱۹۹۹: 302). **Progressive_Muslims:** And as for the youth, his parents were believers, so we feared that he would oppress them by his transgression and disbelief."(Progressive_Muslims : 302). **Yusuf ali:** " As for the youth, his parents were people of faith, and we feared that he would grieve them by obstinate rebellion and ingratitude(to Allah). (Yusuf ali, ۲۰۱۱: 302). **Arberry:** As for the lad, his parents were believers; and we were afraid he would impose on them insolence and unbelief(Arberry, ۱۹۹۸: 302).

معانی خشینا در نگاه مفسران

در معنای «عَلِمْنَا»

بررسی تعدادی از تفاسیر برجسته نشان می‌دهد که برخی از مفسران، خشینا را در معنای علمنا = (دانستیم) آورده‌اند. در تفسیر مقاتل آمده است: فخشینا یعنی فعلمنا؛ چراکه خشیت مانند خوف، مشترک لفظی است؛ و ترس در اینجا به معنای یقین یافتن است. نظیر «خوف» در آیه «وإن امرأت خافت من بعلها نشوزا...» (النساء: ۲۸) و نیز در آیه «وإن خفتم شقاق بینهما...» (النساء: ۳۵) که هر دو واژه خوف به معنای علم است (مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۲: ۵۸۹). علامه طباطبایی نیز با استناد به قرائن معنوی، ترس را از خداوند و بر اساس «لا یخشون أحداً إلا الله» از پیامبران نفی کرده و با توجه به سیاق آیات، معنای فخشینا را «تحذّر» دانسته است؛ یعنی حذر کردیم که چنین اتفاقی - یعنی - «یرهقهما طغیاناً و کُفراً» بیافتد و چنین تحذیری مؤخر و مبتنی بر علم است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳: ۴۸۲). نظیر این دیدگاه در تفاسیر دیگری نیز بیان شده است: (فراء، ۱۹۸۰، ج ۲: ۱۵۸)؛ (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۶: ۱۸۷)؛ (جرجانی، ۱۴۳۰، ج ۲: ۲۵۵)؛ (الطبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۷۵۳)؛ (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۲۱۰)؛ (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۷۲۴)؛ (لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۹۲۰)؛ (طیب، ۱۳۶۹، ج ۸: ۳۸۹).

در معنای «کَرِهْنَا»

برخی مفسران خشینا را به معنای کرهنا (=ناخوش داشتیم) دانسته‌اند. به این صورت که خضر با استناد این کراهت به خود و خداوند، در مقام بیان این موضوع است که ما خوش نداشتیم که این نوجوان چنین عاقبتی را تجربه کند و خود و والدینش را به شقاوت و سیه‌رویی ناشی از کفر و طغیان بکشاند. داشتن این تلقی از آیه و حمل معنای خشینا بر کرهنا، مستلزم حصول علم قطعی توسط خضر از عاقبت نوجوان است؛ یعنی خضر می‌دانست که چنین سرنوشتی در انتظار آن پسر است و وقوع آن را ناخوش می‌داشت. لذا حمل معنای خشینا بر کرهنا، مانند حمل بر علمنا است و شائبه‌ای در ناحیه عمل متکی بر ظن و گمان ایجاد نمی‌کند. مثلاً در تفسیر اثنی عشری چنین آمده است: «فخشینا: پس کراهت داشتیم یا دانستیم به اعلام الهی» (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۸: ۱۰۱). مفسران دیگری نیز نظیر همین دیدگاه را مطرح نموده‌اند. از جمله: (ابن جزری، ۱۴۱۶، ج ۱: ۴۷۲)؛ (طوسی، بی تا، ج ۷: ۸۱)؛ (هواری، ۱۴۲۶، ج ۲: ۴۶۸)؛ (واحدی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۶۶۹)؛ (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۱۲: ۵۰۳).

در معنای «أشفقنا»

گروه دیگری از مفسران نیز معانی دیگری را برای فخشینا در نظر گرفته‌اند. یکی از آن‌ها «أشفقنا» است. راغب در معنای إشفاق گفته است: عنایت و محبتی که آمیخته با ترس باشد. مُشفِق کسی است که مشفقٌ علیه را هم دوست دارد و هم بیمناک است که خطری متوجه او گردد (راغب، ۱۴۲۲: ۲۶۷). این معنا نیز با مفهوم یقین سازگار است؛ زیرا دلسوزی و نگرانی از عاقبت مؤخر از حصول علم است؛ یعنی برای خضر بنا بر اعلام الهی، علم حاصل شده بود که عاقبت نوجوان چنین است. سپس در بیان دلیل قتل، دلسوزی و بیمناکی خود را نسبت به مجازات اخروی ناشی از عاقبت کار نوجوان بیان داشته است؛ نه بیمناکی از احتمال وقوع چنین عملی از وی. ابن ابی حاتم در تفسیر خود به نقل از «سدی» معنای فخشینا را فأشفقنا ذکر کرده است (ابن ابی حاتم، ج ۷، ۱۴۱۹: ۲۳۸۰).

در معنای «خفنا»

تعدادی از مفسران و اکثریت قریب به اتفاق مترجمان - چنانکه بیانش خواهد آمد - فخشینا را به معنای «خفنا» (= ترسیدیم) دانسته‌اند. برخی مانند زمخشری پس از اینکه این معنا را برای واژه ترجیح می‌دهد، می‌گوید: البته این خشیت و خوف راجع به خضر است، نه خدای متعال؛ چراکه او اعلم به هر سر و خفیه‌ای است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۷۴۱) در تفسیر النهر الماد نیز همین دیدگاه بیان شده و ترس در فعل متکلم مع الغیر، منحصرأً به خضر نسبت داده شده است (ابوحیان، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۶۳)؛ در تفسیر منهج الصادقین نیز هر دو احتمال خفنا و علمنا مطرح شده و مفسر ترس را در فرض ترجیح معنای خفنا به خضر نسبت داده است (کاشانی، بی تا، ج ۵: ۳۶۱) در این تفاسیر برای رفع شبهه قصاص پیش از جنایت و عمل متکی بر گمان، بجای یافتن و گزینش معنای خشیت در بین چند معنای اشتراکی، معنای خفنا ترجیح داده شده و برای رفع شبهه علم الهی، مرجع ضمیر «نا» در «خشینا» - که منطقاً اوصاف فعل جمع، به همه مصادیق آن نسبت داده می‌شود - بین مصادیق ضمیر، تقسیم شده است که خالی از غموض نیست. در چندین تفسیر نیز فخشینا به معنای خفنا آمده است مانند روح البیان (حقی، بی تا، ج ۵: ۲۸۵)؛ البحر المحیط (ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۷: ۲۱۴)؛ مدارک التنزیل (نسفی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۳۸)؛ روح المعانی (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸: ۳۳۳)؛ مفاتیح الغیب (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۱: ۴۹۱).

نقد و بررسی

همان‌طور که گفته شد واژه «فَخَشِينَا» از مشترکات لفظی و حاوی دو معنای متضاد (شک و یقین) است. در صورتی که مترجم آن را بر شک حمل نماید و به صورت: «ترسیدیم که مبدا نوجوان چنان نماید...» ترجمه کرده باشد، این شبهه ایجاد می‌شود که خضر بدون حصول علم و صرفاً با قید این احتمال که شاید آن نوجوان والدین خود را به کفر و طغیان بکشاند، او را به قتل رسانده است و این برخلاف بسیاری از مبانی اعتقادی و فقهی است. مضافاً اینکه ایراد «عقاب قبل از جنایت» که قباح آن محملی عقلایی دارد و از نظر فقه کیفری نیز مشروع نیست، بر آن وارد است. به این معنا که بر اساس فقه اسلامی، وجود عنصر مادی در تحقق جرم ضرورت دارد (مکی عاملی: ۱۳۹۹، ق، قسم ۱: ۱۰۷؛ گرجی، ۱۳۷۴: ۲۲۱)؛ اما اگر به مدد علم لدنی خضر، خشینا در معنای دیگر واژه، یعنی حصول علم و یقین ترجمه شود، چنین ابهامی از میان خواهد رفت. نکته دوم که تقویت‌کننده همین دیدگاه است اینکه فعل به صورت متکلم مع الغیر آمده و ظهور معنای آیه در این است که خشیت به خداوند و خضر نسبت داده شده است. از طرفی مسلم است که خداوند متعال از هر خشیتی بری است و از سوی دیگر بر اساس آیه «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» (الأحزاب: ۳۹) هر گونه ترس و خشیتی از انبیاء الهی نیز نفی شده است. نکته دیگر اینکه متکلم مع الغیر آمدن فعل و انتساب علم به خضر و خداوند، این شبهه را به ذهن می‌آورد که علم خضر از آینده - درحالی‌که او نیز بنده خداست - ثابت نمی‌شود. در پاسخ این شبهه نیز به عبارت «و ما فعلته عن أمري» (الکهف: ۸۲) می‌توان استشهاد نمود؛ به این معنا که علم خضر برگرفته از وحی الهی و اعلام و حیانی به او بوده است.

چنانکه ملاحظه می‌شود در ترجمه‌های ذکر شده، غالباً خشینا را به معنای «خفنا» (= ترسیدیم) آورده‌اند و از واژگانی استفاده کرده‌اند که تداعی‌کننده مفهوم شک (عدم حصول علم / عدم یقین) است؛ مانند: ترسیدیم - بیمناک شدیم - باک داشتیم - هراس داشتیم - ترس داشتیم - بیم داشتیم و می‌ترسیدیم). مجموعاً ۳۶ مترجم از این واژگان استفاده کرده‌اند. لذا شبهه عمل متکی بر شک، قصاص (عقاب) پیش از جنایت و نیز انتساب خشیت به خدا و پیامبرش بر این ترجمه‌ها وارد است. به نظر می‌رسد این دسته از مترجمان یا به مسئله اشتراک لفظی در کلمه مورد بحث عنایتی نداشته‌اند و یا در انتخاب واژه، شبهات مقدر ناشی از رویکردهای بازدارنده فقهی و کلامی مترتب بر این شیوه ترجمه را در نظر نگرفته‌اند.

تعدادی از مترجمان با مفرد آوردن واژگانی نظیر (ترسیدم - بیم داشتم - باک داشتم)، سعی کرده‌اند این ترس و خشیت را از خداوند نفی و به متکلم جمله (خضر) نسبت دهند. اشکالی که بر این شیوه ترجمه‌ها وارد است بسی بزرگ‌تر از اشکال پیشین به نظر می‌رسد؛ زیرا روشن است که در برگرداندن معنای یک فعل متکلم مع الغیر، نمی‌توان آن را به صورت متکلم وحده درآورد! ضمن اینکه هنوز شبهه عمل متکی بر شک و عقاب قبل از ارتکاب جرم بر این ترجمه‌ها نیز وارد است. ۱۲ مترجم، آیه را به این صورت ترجمه کرده‌اند.

محمود یاسری که ترجمه‌اش به شیوه ترجمه آزاد است، ابتدا از واژه ترسیدیم استفاده کرده است؛ اما برای رفع شبهه در انتهای آیه به صورت جمله‌ای توضیحی می‌نویسد: «چون چنین در عاقبت آن پسر می‌دیدم، او را کشتم» با این جمله وی سعی کرده هم به متن وفادار بماند و هم شبهه مقدر را از عبارت دفع کند. هرچند انتخاب صحیح یا ترجیح یک معنا در مشترکات لفظی - چنانکه شرح داده شد - نه تنها خدشه‌ای به اصل وفاداری وارد نمی‌کند، بلکه برای انعکاس صحیح مراد گوینده، لازم است.

دو مترجم یعنی آقایان: محمدرضا آدینه و ندر لریستانی و مهدی حجتی، واژه «نخواستیم» را معادل خشینا قرار داده‌اند. هرچند باب ورود شبهات مطرح شده در این ترجمه‌ها بسته شده و حصول علم و آگاهی از عاقبت نوجوان در کلمه نخواستیم نهفته است، اما اشکال ترجمه فعل ایجابی به شکل سلبی بر این دو ترجمه وارد است.

نصرت بیگم امین از کلمه «دانستم» استفاده کرده که ترجمه صحیح‌تری به نظر می‌رسد. هرچند اشکال مفرد آوردن فعل متکلم مع الغیر را دارد.

از بین ۵۳ ترجمه بررسی شده، تنها کسی که از واژه «دانستیم» استفاده کرده است، «رشید الدین میبیدی» است و به نظر می‌رسد که هیچ‌یک از نقدهای وارد بر سایر ترجمه‌ها را ندارد و در انتخاب معادل خشینا، با دقت بیشتری عمل کرده است.

در ترجمه‌های انگلیسی نیز شکیر، صفارزاده، قرائی، پیکتال، مسلمانان مترقی، یوسف علی، محمد و سمیرا احمد، در ازاء واژه فخشینا از واژه «fear» به معنای ترس استفاده کرده‌اند. نکته دیگر اینکه در ترجمه شکیر، ترکیب «we feared lest» آمده است به معنای آن‌که «ما ترسیدیم که مبادا...» که شک و تردید بیشتری را منعکس می‌کند. ترجمه آبروینگ از واژه «dread» به معنای ترس و بیم و نهایتاً محمد سرور و آربری نیز ترکیب «We were afraid» به معنای ترس و هراس داشتن را برگزیده‌اند.

بنابراین در میان ده ترجمه قرآن به زبان انگلیسی، هیچ‌کدام به حصول علم توسط خضر که آن را برگرفته از وحی الهی و مبنای عمل خود قرار داده بود، توجهی ننموده و صرفاً معنای لغوی «خشی» را بدون توجه به وجوه مختلف واژه و قرائن متصل لفظی و قرینه‌های برون بافتی بیان کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

برای ترجمه قرآن بایستی با علومی از قبیل فقه، کلام، ادبیات عرب و علوم قرآنی کاملاً آشنایی داشت چراکه عدم آشنایی با مبانی و مفاهیم فقهی و کلامی و سایر علوم نامبرده ممکن است سبب ایجاد اشتباهات فاحشی در ترجمه‌ها شده و شائبه‌هایی را به وجود آورد.

در قرآن آیات متعددی از مجملات محسوب می‌شوند که فهم مراد آن‌ها با پیچیدگی‌هایی همراه است. یکی از اسباب اجمال، اشتراک لفظی است. مترجم در انتخاب معنای واژگانی که بیش از یک معنا دارند باید با در نظر داشتن مبانی کلامی، فقهی و مباحث ادبی، دقیق عمل کند.

اکثر مفسران بر اساس قرائن متصل، سیاق و قرائن برون بافتی و نیز قرائن معنوی، مراد از فَخْشِینَا، در آیه ۸۰ سوره کهف را فعلنا دانسته‌اند.

اکثر مترجمان در ترجمه این آیه دقت لازم را نداشته‌اند. از مجموع ۶۳ ترجمه بررسی شده، تمام ترجمه‌های انگلیسی و ۴۸ ترجمه از ۵۳ ترجمه فارسی، واژه را در معنای عدم حصول علم ترجمه کرده و شبهات: عقاب پیش از وقوع جرم، انتساب خوف و خشیت به خداوند، انتساب خوف و خشیت به پیامبرش و نیز عمل متکی بر احتمال را ایجاد کرده‌اند. ۴ مترجم با انتخاب واژگانی سعی کرده‌اند این شبهات را از بین ببرند اما مرتکب خطاهای دیگری از جمله ترجمه کردن برخلاف صیغه فعل شده‌اند و تنها رشید الدین میبیدی در ازاء واژه «خَشِینَا» از کلمه «دانستیم» که بهترین ترجمه محسوب می‌شود استفاده کرده است.

فهرست منابع

قرآن کریم

- آدینه‌وند لرستانی، محمدرضا. (۱۳۷۷ ش). کلمه الله العلیا. تهران: اسوه.
- آلوسی، محمودبن عبدالله. (۱۴۱۵ ق). روح المعانی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- آیتی، عبدالمحمد. (۱۳۷۴ ش). ترجمه قرآن. تهران: انتشارات سروش.
- ابن‌ابی‌حاتم، عبدالرحمن. (۱۴۱۹ ق). تفسیرالقرآن‌العظیم. ریاض: مکتبه‌نزار مصطفی‌الباز.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ابوحیان، محمدبن یوسف. (۱۴۲۰ ق). البحر المحیط فی التفسیر. بیروت: دارالفکر.
- ارفع، کاظم. (۱۳۸۱ ش). ترجمه قرآن. تهران: فیض کاشانی.
- الهی قمشه‌ای، مهدی. (۱۳۸۰ ش). ترجمه قرآن. قم: فاطمه الزهراء.
- امین، نصرت‌بیگم. (بی‌تا). مخزن العرفان در علوم قرآن. [بی‌جا]: [بی‌نا].
- انصاریان، حسین. (۱۳۸۳ ش). ترجمه قرآن. قم: اسوه.
- برزی، اصغر. (۱۳۸۲ ش). ترجمه قرآن و نکات نحوی آن. تهران: بنیاد قرآن.
- بروجردی، محمدابراهیم. (۱۳۶۶ ش). ترجمه قرآن. تهران: کتابخانه صدر.
- بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ ق). معالم التنزیل. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بلاغی، عبدالحجه. (۱۳۸۶ ق). حجه التفاسیر و بلاغ الإکسیر. قم: انتشارات حکمت.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۵۷ ش). ترجمه قرآن. تهران: جاویدان.
- پورجوادی، کاظم. (۱۴۱۴ ق). ترجمه قرآن. تهران: بنیاد دائره المعارف اسلامی.
- ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ ق). الکشف و البیان. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- تتقی‌تهرانی، محمد. (۱۳۹۸ ق). روان جاوید در تفسیر قرآن مجید. تهران: برهان.
- جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن. (۱۴۳۰ ق). درج الدرر. بیروت: دارالفکر.
- خواجوی، محمد. (۱۳۶۹ ش). ترجمه قرآن. تهران: انتشارات مولی.
- حجتی، مهدی. (۱۳۸۴ ش). گلی از بوستان خدا (ترجمه قرآن). قم: بخشایش.
- الحفناوی، محمدابراهیم. (۱۴۱۲ ق). اثر الاجمال و البیان فی الفقه الاسلامی. مصر: دارالوفاء.
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی. (بی‌تا). تفسیر روح البیان. بیروت: دارالفکر.
- خرمدل، مصطفی. (۱۳۸۴ ش). تفسیر نور. تهران: انتشارات احسان.

- خسروانی، علیرضا. (۱۳۹۰ ق.). تفسیر خسروی. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۵۲ ش.). لغت نامه. تهران: نشر دانشگاه تهران.
- الراغب الاصفهانی، ابی القاسم. (۱۴۲۲ ق.). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
- الرافعی، مصطفی. (۱۴۲۱ ق.). اعجاز القرآن والبلاغه النبویه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۳ ش.). ترجمه قرآن. قم: موسسه دارالذکر.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۹۱ ش.). منطق ترجمه قرآن، قم: نشر المصطفی.
- رهنما، زین العابدین. (۱۳۵۴ ش.). قرآن مجید با ترجمه و تفسیر. تهران: سازمان اوقاف.
- زحیلی، وهبه. (۱۴۱۱ ق.). التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، دمشق: دارالفکر.
- سراج، رضا. (۱۳۹۰ ق.). ترجمه قرآن. تهران: سازمان چاپ دانشگاه.
- سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر. (۱۳۷۲ ش.). متن و ترجمه فارسی تفسیر شریف بیان السعاده فی مقامات العباده. تهران: سر الاسرار.
- السیوطی، جلال الدین. (۱۳۸۲ ش.). الإیتقان فی علوم القرآن. تهران: امیر کبیر.
- شاه عبدالعظیمی، حسین. (۱۳۶۳ ش.). تفسیر اثنی عشری. تهران: نشر میقات.
- شاه ولی الله، احمد بن عبدالرحیم. (بی تا). ترجمه قرآن دهلوی. سراوان: کتابفروشی نور.
- شعرانی، ابوالحسن. (۱۳۷۴ ش.). قرآن مجید با ترجمه. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- صادق نوبری، عبدالمجید. (۱۳۹۶ ق.). ترجمه قرآن. تهران: انتشارات اقبال.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۸۸ ش.). ترجمان فرقان تفسیر مختصر قرآن کریم. قم: شکرانه.
- صفوی، محمدرضا. (۱۳۸۸ ش.). ترجمه قرآن بر اساس المیزان. قم: دفتر نشر معارف.
- صفی علی شاه، محمدحسن بن محمد باقر. (۱۳۷۸ ش.). تفسیر قرآن، تهران: منوچهری.
- صلواتی، محمود. (۱۳۸۷ ش.). ترجمه قرآن. تهران: انتشارات مبارک.
- طاهری قزوینی، علی اکبر. (۱۳۸۰ ش.). ترجمه قرآن (طاهری). تهران: قلم.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴ ش.). ترجمه تفسیر المیزان. قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ ش.). مجمع البیان لعلوم القرآن. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۵۶ ش.). ترجمه تفسیر طبری. تهران: نشر توس.
- طیب، عبدالحسین. (۱۳۶۹ ش.). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلام.
- عاملی، ابراهیم. (۱۳۶۰ ش.). تفسیر عاملی. تهران: کتابفروشی صدوق.
- العک، خالد عبدالرحمن. (۱۴۱۴ ق.). اصول التفسیر و قواعد. بیروت: دارالفائس.

- فارسی، جلال‌الدین. (۱۳۶۹ ش). ترجمه قرآن (فارسی). تهران: انجام کتاب.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق). مفاتیح الغیب، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فراء، یحیی بن زیاد. (۱۹۸۰ م). معانی القرآن. مصر: هیئته المصریه.
- فؤاد عبدالباقی، محمد. (۱۳۹۱ ش). معجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم. قم: نوید اسلام.
- فولادوند، محمد مهدی. (۱۴۱۸ ق). ترجمه قرآن. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف.
- فیض الاسلام، سید علی نقی. (۱۳۸۸ ق). قرآن عظیم با ترجمه بی‌جا: بی‌نا.
- الفیومی، احمد بن محمد. (۱۹۸۷ م). المصباح المنیر. بیروت: انتشارات مکتبه لبنان.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۸ ش). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی بنابی، علی‌اکبر. (۱۳۷۵ ش). تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت.
- کاویان‌پور، احمد. (۱۳۷۲ ش). ترجمه قرآن. تهران: نشر اقبال.
- گرگی، ابوالقاسم. (۱۳۷۴ ش). حقوق جزای عمومی اسلام. تهران: نشر داد.
- لاهیجی، محمد بن علی. (۱۳۷۳ ش). تفسیر شریف لاهیجی. تهران: دفتر نشر داد.
- مترجم ناشناخته. (۱۳۸۳ ش). ترجمه قرآن. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۵ ش). ترجمه قرآن. قم: بوستان کتاب.
- مشکینی اردبیلی، علی. (۱۳۸۱ ش). ترجمه قرآن. قم: نشر الهادی.
- مصاحب، غلامحسین. (۱۳۸۰ ش). دائره المعارف فارسی. تهران: امیرکبیر.
- مصباح‌زاده، عباس. (۱۳۸۰ ش). ترجمه قرآن. تهران: بدرقه جاویدان.
- معزی، محمد کاظم. (۱۳۷۲ ش). ترجمه قرآن. قم: اسوه.
- مغنیه، محمد جواد. (۱۳۷۸ ش). ترجمه تفسیر کاشف. قم: دفتر تبلیغات.
- مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ ق). تفسیر مقاتل. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳ ش). ترجمه قرآن، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف.
- مکی عاملی، محمد (شهید اول). (۱۳۹۹ ق). التوائد و الفوائد فی الفقه أو الاصول و العربیه، نجف: نشر عبدالهادی.
- موسوی گرمارودی، علی. (۱۳۸۴ ش). ترجمه قرآن. تهران: قدیانی.
- میبدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱ ش). کشف الاسرار و عده الابار. تهران: امیرکبیر.
- نسفی، عبدالله بن احمد. (۱۴۱۶ ق). مدارک التنزیل و حقائق التاویل، بیروت: دارالنفائس.
- نسفی، عمر بن محمد. (۱۳۷۶ ش). تفسیر نسفی. تهران: انتشارات سروش.
- یاسری، محمود. (۱۴۱۵ ق). ترجمه قرآن. قم: بنیاد فرهنگی امام مهدی (ع).

- Irving, T. (1985). The Quran Translation, New York: International Publishing Co.
- Pickthall, M. (2003). The meaning of the glorious Qur'an. Kuala Lumpur: Islamic Book Trust.
- Qarai, A. (2005). The Quran. Qum: Islamic College for Advanced Studies.
- Saffarzadeh, T. (2006). The Holy Quran. Tehran: Pars Ketab.
- Sarwar, M. (1982). The holy Quran. Elmhurst, NY, USA: Islamic Seminary.
- Shakir, M. (2009). al-Qur'an al-hakim. Qum: Ansariyan Publications.
- Yusuf Ali, A. (2011). The Qur'an. Elmhurst, N.Y.: Tahrike Tarsile Qur'an Inc.

